

Life in God - understanding the Trinity and its implications.

(Preached by Cheryl Williams at Footscray Baptist, May 26th, 2024 - John 3:1-17 & Romans 8:12-17)

زندگی در خدا - درک تثلیث و پیامدهای آن. (موعظه شده توسط شریل ویلیامز در

مه 2024 - یوحنا 17-3:1 و رومیان 17-8:12) به 26 Footscray Baptist

یکشنبه ترینیتی خوش آمدید. تصور خدا به عنوان سه در یک و یک در سه از کودکی من را مجذوب خود کرده است. این ایده آنقدر پیچیده و مرموز بود که می خواستم بیشتر بدانم. این شیفتگی

خود را در مورد این Honors در تمام طول تحصیلات الهیات با من باقی ماند و در پایان پایان نامه موضوع نوشتم. اکنون قصد ندارم شما را در معرض تمام ایده ها و نظریه هایی قرار دهم که در طول سال ها خوانده ام، که فقط باعث سردرگمی بیشتر ما می شود. من می خواهم به چند دلیل سعی کنیم این را کمی درک کنیم. اول، این چیزی است

که ما را از سایر ادیان متمایز می کند، این ایده که خدا خالق، نجات دهنده و هدایت کننده در یک زمان است. ثانیاً، نحوه ارتباط

خدا در تثلیث برای ما به عنوان یک کلیسا الگویی است و من می خواهم استدلال کنم که ما نیز به آن زندگی یکپارچه و متنوع دعوت شده ایم. شما ایده ای را که در کتاب مقدس بیان شده است پیدا نمی کنید، اما بازتاب هایی از آن را خواهید یافت، ما برخی از آن را در خوانش های امروز خود می بینیم در یوحنا می بینیم که عیسی با نیکودیموس در مورد روح صحبت می کند. و سپس می خوانیم که خدا به قدری جهان را دوست داشت که به عیسی داد. در خواندن رومیان می شنویم که چگونه در خانواده خدا و هم وارث عیسی هستیم. واضح است که بین خدای خالق، عیسی، روح القدس و ما، رابطه متقابل - و وحدت مهمی وجود دارد. ما وحدت را در خلقت می بینیم

خدا صحبت می کند و چیزها خلق می شوند، در این فرآیند روح می چرخد یا بر روی آب می چرخد و یوحنا به ما می گوید که عیسی نیز در آغاز حضور داشت. در تعمید عیسی، ما عیسی را در آب می بینیم، صدای خدا را می شنویم و روح مانند پرنده ای نازل می شود. در طول اعصار بسیاری تلاش کرده اند این ارتباط عمیق را توضیح دهند. اجازه دهید برخی از این افکار را با شما در میان بگذارم، برخی از آنها را قبلاً در گفتگوی کودکان استفاده کردم. 1. شبدر 3 برگ: سنت پاتریک از این استفاده کرد تا قسمت های جداگانه را توضیح دهد اما چگونه همه آنها با هم ترکیب شدند و یک شبدر شدند.

زرده، سفیده برابر با یک تخم مرغ است 3. سیب - پوست، گوشت و هسته برابر با یک سیب است
آب - سه حالت - مایع، بخار و یخ (جامد) اما تمام آنها آب هستند 4.
مثلث - سه ضلع، سه 5.

زاویه اما فقط یک مثلث است، با این حال می خواهیم مراقب باشیم که چه نوع مثلثی است. اگر از مثلث متساوی الساقین استفاده کنیم متوجه می شویم که همه اضلاع و زوایا یکسان نیستند، نوعی سلسله مراتب وجود دارد. اگر از مثلث متساوی الاضلاع استفاده کنیم همه اضلاع و زوایا با هم برابرند و واقعاً سلسله مراتبی وجود ندارد وقتی من آن را به اطراف حرکت دهم، هیچ چیز واقعاً تغییر نمی کند

شاید تصویر بهتر یک دایره باشد. یک دایره آغاز و پایانی ندارد، به هم پیوستگی را راحت تر نشان می دهد. این در حال نزدیک تر شدن به ایده ای است که در قرن های 3 و 4 ایجاد شد، ایده ای که آن ها آن نامیدند، این کلمه پیچیده ای نیست، بنابراین سعی می کنم آن را خلاصه کنم «perichoresis» را این در لغت به معنای دور اطراف است، دایره ای که فرد به دور آن می چرخد. آنها این ایده را با ایده دیگری از شخصیت بودن ترکیب کردند. شخصیت برای آنها متضمن رابطه و متقابل است، کاملاً متفاوت با نحوه درک ما از افراد به عنوان افراد، خودکفا، خصوصی، این درک از افراد در قرن سوم و چهارم کاملاً بیگانه بود. اخیراً (در حدود 100 سال گذشته) مردم شروع به استفاده از تصاویر مختلف کرده اند تا بفهمند زندگی در خدا چگونه است. اجازه دهید سعی کنم و دوباره توضیح دهم. این عکس از روسیه است. در اصل تصویری از ابراهیم بود که از سه فرشته یا بازدیدکنندگان پذیرایی می کرد. اخیراً به عنوان تصویر خدا به عنوان تثلیث شناخته شده است. اجازه دهید سعی کنم و توضیح دهم که چرا. ما سه رقم مشابه و در عین حال متفاوت داریم. آنها برابر هستند. به نظر می رسد که آنها به یکدیگر نگاه می کنند و به یکدیگر تعلق می کنند که نشان دهنده متقابل بودن و پیوند آنهاست. اگر به یکی نگاه کنید به سمت بعدی در دایره کشیده می شوید. دور یک میز نشسته اند، محل پذیرایی و استقبال و جای خالی است، فضایی برای ما، مثل اینکه داریم به زندگی خدا کشیده می شویم. این همان معنایی است که آنها در قرن سوم و چهارم داشتند. وحدت و تنوع، پیوند عمیق و رابطه دلسوزانه. جامعه ای برابر. اگر بخواهیم یک طرح کلی در اطراف سه شکل بکشیم، یک دایره باز خواهیم داشت. تصویر دیگر ممکن است تصویر یک رقص باشد، افراد مختلف در حال انجام کارهای مختلف هستند اما با هم آنها در حال رقص هستند و هر کسی می تواند به آن بپیوندد. بنابراین، اگر زندگی خداوند در درون خود مانند دایره یا رقصی باز باشد، وحدت و تنوع، برابری، استقبال، پیوند و رابطه را می بینیم، پیامدهایی برای ما دارد. اول، ما به صورت خدا آفریده شده ایم. ما برای وحدت در تنوع، ساخته شده برای رابطه، برابر با دیگران، متصل به همه و همه چیز ساخته شده ایم. ثانیاً، ما به زندگی با خدا خوش آمدیم. ما در آغوش خدا هستیم که در خدا ننگه داشته شده و در زندگی خدا مشارکت می کنیم، سرانجام، ما فراخوانده شده ایم که کلیسا باشیم، قوم خدا باشیم، تا تجسم مستمر خدا در این جهان باشیم پس باید خدا را بازتاب دهیم. از این رو، ما باید دایره ای باز باشیم که از دیگران استقبال می کنیم. ما باید تنوع خود را جشن بگیریم. ما باید به یکدیگر احترام متقابل نشان دهیم. ما باید یک جامعه برابر باشیم. ما نیاز داریم که به یکدیگر متصل باشیم، نه یک دسته از افراد، ما باید شادی ها و غم های یکدیگر را به اشتراک بگذاریم. ما افکار، فرهنگ ها، درک متفاوتی خواهیم داشت، اما به جای تلاش برای تغییر افراد، باید از یکدیگر یاد بگیریم و تنوع خود را جشن بگیریم. ما باید همان نوع مهمان نوازی را که خدا به ما ارائه می دهد به تمام جهان و نه فقط مسیحیان ارائه دهیم. ایده خدا به عنوان تثلیث برای من شکل دهنده است - به من نشان می دهد که چگونه با همه مرتبط هستم، مرا به استقبال غریبه فرا می خواند، به من یادآوری می کند که باید تلاش کنم و دیدگاه دیگری را درک کنم و تنوع خود را جشن بگیرم. این به من یادآوری می کند که همه ما در نزد خداوند برابر هستیم و باید در نزد یکدیگر باشیم. این به من یادآوری می کند که ما همه برادر و خواهر هستیم و در عشق خدا پذیرفته شده ایم.